

رابطه معماری مجتمع‌های مسکونی شهری با سرمایه اجتماعی ساکنین (مطالعه موردی مجتمع‌های شهری اردبیل)

داود عبداللہی^۱، رسول ربانی^۲، حمیدرضا وارثی^۳

تاریخ دریافت: 91/9/8 تاریخ تایید: 91/12/21

چکیده

فضا بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرد و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با یکدیگر در این عرصه اتفاق می‌افتد بنابراین همچون ساختاری است که می‌تواند در کنار مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، محدودیت‌هایی هم برای کنشگران فراهم آورد. جبرگرایان محیطی و طرفداران رویکرد جبریت معماری معتقدند هر نوع تغییر در محیط به تغییر در رفتار اجتماعی منجر می‌شود در واقع ساختارهای محیطی چه محیط ساخته شده و چه محیط زمینی تعیین کننده اصلی کنش انسان هستند به تعبیر آلمن محیط سکونگاه در شکل‌گیری ارتباط افراد و هنجارهای ناشی از آن تاثیر دارد از این جهت توجه به رویکردهای انسان‌گرا در معماری سکونگاه‌های جمعی یک ضرورت حیاتی است چرا که توجه به چنین زیرساخت‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط و پیوند ساکنان، تقویت حس تعلق و تعهد اجتماعی، اعتماد متقابل، پایبندی به هنجارها و موازین اخلاقی و در یک کلام سرمایه اجتماعی باشد منظور از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند بدست آورند به تعبیر دیگر سرمایه اجتماعی امری رابطه‌ای بوده و در شبکه روابط اجتماعی و تعامل بین افراد شکل می‌گیرد و به تعبیر پورتر، سرمایه اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. برای برخورداری از سرمایه اجتماعی، فرد بایستی با دیگران رابطه داشته باشد و در واقع همین دیگران هستند که منبع واقعی برخورداری فرد از مزایا و امتیازات می‌باشند. با توجه به عنصر رابطه (تعامل اجتماعی) به عنوان هسته اصلی سرمایه اجتماعی، شکل و قالب طراحی فضای مسکونی می‌تواند بستر لازم برای برقراری رابطه بین افراد نقش مهمی ایفا کند. نوشتار حاضر با این رویکرد به بررسی رابطه‌ی بین معماری مجتمع‌های آپارتمانی و سرمایه اجتماعی می‌پردازد. تحقیق به مطالعه رابطه معماری مجتمع‌های آپارتمانی با سرمایه اجتماعی می‌پردازد. تحقیق از نوع علی-همبستگی بوده و در شهر اردبیل به بررسی دیدگاه ساکنین در خصوص کیفیت معماری مجتمع‌های مسکونی می‌پردازد جامعه آماری کلیه ساکنین واحدهای آپارتمانی سه واحد و بیشتر می‌باشد (12000) که از بین آن‌ها 390 نفر به طور تصادفی مورد مصاحبه و پرسشگری قرار گرفتند یافته‌ها نشان می‌دهند که: کیفیت طراحی واحدهای همسایگی/کیفیت طراحی طبقات مجتمع/تعداد طبقات واحدها/معماری و طراحی مجتمع/فضاهای عمومی و مشترک مجتمع/احساس امنیت در مجتمع آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی تاثیر معناداری دارند. تاثیر کیفیت استقرار واحدهای مجتمع‌های بر سرمایه اجتماعی ساکنین تایید نشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، معماری، مجتمع آپارتمانی، طراحی، فضای عمومی.

Abdollahi.d@gmail.com

1. جامعه‌شناسی و مدرس واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اردبیل.

2. استاد فقید جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان که در سال 1390 دارفانی را وداع گفتند.

h.varesi@geo.ui.ir

3. دکتری جغرافیا و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

اعتماد¹ اجتماعی یکی مفاهیم مهم علوم اجتماعی است. امروزه در ادبیات جامعه‌شناسی از آن به «سرمایه اجتماعی»² یاد می‌شود این مفهوم در ابتدا در آثار نویسندگانی چون دورکیم، پاتنام، جیمز کلمن، پی‌یر بوردیو، پاسرون، لوری و... طرح شد. سرمایه اجتماعی از یکسو محصول پیوندها و شبکه‌های اجتماعی است و از سوی دیگر خود تسهیل‌کننده این پیوندها و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

شاخص زندگی مدرن شهری افول رابطه اجتماعی است. خصیصه‌های زندگی شهری ناآشنایی، سطحیت رابطه‌ای، افول تعهدات اجتماعی، کم‌رنگی وجدان جمعی و خاصه اعتماد عمومی است و این به کرات در نوشته‌های اندیشمندان بزرگ جامعه‌شناسی مورد تاکید قرار گرفته است (جامعه ارگانیک دورکیم در مقابل جامعه مکانیکی و گزل شافت تونیس در مقابل گماین شافت). در سایه رابطه عمیق بین کنشگران اجتماعی است که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نیز اعتماد متقابل به عنوان اجزای کلیدی سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و بدون تردید مکان مشترک و نحوه طراحی یا معماری آن در شکل‌گیری رابطه اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و می‌تواند و به عنوان عامل تسهیل‌کننده و یا محدودکننده آن عمل کند.

بیان مسأله

معماری مسکن صرفاً به معنای طراحی یا ساخت فضا برای زیست انسان‌ها نیست به همین دلیل در معماری مسکن به ویژه مسکن اجتماعی جدا از طراحی سکونتگاه انسانی باید به ابعاد دیگری از حیات و سکونت انسان‌ها نیز توجه کرد. چنین نگاهی به زیستگاه انسانی مستلزم تغییر پارادایم در معماری چنین محیط‌هایی است (اتفاقی که بعد از جنگ دوم جهانی و در راستای مدیریت بحران‌های اجتماعی مهاجرین و تازه واردان در معماری سکونتگاه‌های عمومی غرب رخ داد)، در این پارادایم جدید که قویاً بر تاثیر محیط بر اعمال و کردار انسان‌ها تاکید می‌شود توجه به رویکردهای اجتماعی و فرهنگی مسکن عمومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امروزه زندگی در شهر و شهرنشینی، یک پدیده اجتماعی گریزناپذیر است از این جهت که روز به روز بر سیل عظیم مهاجرین شهری افزوده می‌شود چنین روندی به افزایش تقاضای مسکن شهری و در نتیجه رشد عمودی مسکن شهری منجر خواهد شد و به تبع آن افراد مجبورند به

1. Trust

2. Social Capital

اقتضای شرایط در کنار افرادی با ویژگی‌های فرهنگی - قومی کاملاً متفاوت به سر ببرند اما از یکسو احساس جدایی و ناآشنایی می‌تواند در کنار تجربه فراغت بال و داشتن چهار دیواری اختیاری، وسوسه ارتکاب کنش‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش دهد. به همین خاطر به نظر می‌رسد اتکای صرف به الگوها و مدل‌های طراحی سنتی درون‌گرا (اندرونی محور در مقابل بیرونی) در معماری سکونتگاه‌های جمعی (مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی) به طور بالقوه می‌تواند سلامت عمومی را تهدید کند به همین دلیل به نظر می‌رسد توجه به عناصر ارتباطی یا پیونددهنده در این محیط‌ها می‌تواند فرصت و استعداد آسیب‌زایی آن‌ها را کاهش دهد. مجتمع‌های آپارتمانی به عنوان سبک جدیدی از مسکن شهری چنانچه از معماری برون‌گرا و پیوند بخش برخوردار نباشند کیفیت اسکان و زیست ساکنان را با تهدیدهای جدی مواجه خواهد کرد تهدیدهایی که اغلب معلول احساس غریبگی و گمنامی ساکنین است. طراحی مناسب فضاهای عمومی در مجتمع‌ها (از قبیل راهرو یا ورودی مشترک، حجم آسانسور، اندازه راه پله، تالار عمومی، حجم و اندازه پاگردها، تعداد طبقات، تراکم واحدها، چگونگی استقرار مجتمع‌های همجوار، میزان اشراف یا دید واحدهای مجاور به یکدیگر، دوری و نزدیکی به خیابان اصلی و قرار گرفتن در مکان‌های پرت و...) به تسهیل نظارت عمومی بر کنش‌های پاتولوژیک منجر شده و به روان‌سازی تعاملات چهره به چهره بین افراد کمک می‌کند که به نوبه خود می‌تواند به شکل‌گیری شناخت و اعتماد متقابل ساکنان و در نتیجه شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی) درون مجتمع منجر شود. در نتیجه امنیت عمومی و سلامت محیطی این مکان‌ها تامین شود وانگهی از طریق اصلاح در الگوهای معماری مجتمع‌های مزبور می‌توان سرمایه اجتماعی درونی (درون مجتمع‌های آپارتمانی و بین ساکنان) را به سرمایه اجتماعی بیرونی (قانون‌گرایی، امنیت و عدالت و سلامت عمومی جامعه) تعمیم داد.

امروزه به دلایل متعددی در معماری و ساخت و ساز مسکن شهری خاصه مجتمع‌های آپارتمانی افراد زیادی درگیرند که یا فاقد تخصص و دانش کافی در این زمینه هستند و یا در صورت داشتن تخصص لازم چندان توجهی به مولفه‌های سرمایه اجتماعی ندارند در نتیجه مسکنی طراحی و ساخته می‌شود که حداقل‌های مربوط به مولفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی ضروری سکونت‌گاه اجتماعی در آن‌ها رعایت نمی‌شود. چنین اهمال یا بی‌توجهی می‌تواند این مکان‌ها را به محیط‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا تبدیل کند امری که خود می‌تواند سلامت کل جامعه را به خطر اندازد. بنابراین همان‌طور که نیومن¹ بیان می‌کند در جاهایی در حد مناطق کوچک که میزان روابط انسانی زیاد است میزان جنایت و جرایم کم می‌شود زیرا تعهدات

اجتماعی بالاست و توجه مردم به یکدیگر زیاد بوده و امکان منزوی شدن افراد وجود ندارد (رضازاده و دیگران، 1388: 107) لذا با اتخاذ و اعمال رویکردهای انسانی در طراحی و معماری این مکان‌ها و با الهام از یافته‌های علوم اجتماعی می‌توان مجتمع‌های مسکونی شهری را به محیط‌های امن تبدیل کرد. تحقیقی با سمت و سوی موضوع حاضر برای اولین بار در سطح کشور انجام می‌گیرد و می‌تواند آغازگر مطالعات تکمیلی بعدی قرار گیرد با وجود اینکه مکان مورد مطالعه مجتمع‌های مسکونی شهر اردبیل می‌باشد ولی یافته‌های آن می‌تواند در در تحلیل و آسیب‌شناسی مسکن شهری کل کشور مثر و ثمر واقع شود. پر واضح است یافته‌های میدانی پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند در جهت‌دهی آموزه‌های معماری مسکن شهری به ویژه معماری مجتمع‌های مسکونی به سمت و سوی سرمایه اجتماعی و پویایی مدل‌های طراحی و معماری از نوع انسان‌گرا، همراه با رویکرد پیوست فرهنگی، که امروز بیش از هر دوره دیگر ضروری زندگی شهری است، موثر واقع شود.

پیشینه تحقیق

در مورد سرمایه اجتماعی سابقه نظری و ادبیات پژوهشی (کتاب و مقالات) متعددی وجود دارد اما پژوهشی با موضوعیت « رابطه سبک معماری آپارتمان‌ها (آپارتمان‌سازی) با سرمایه اجتماعی» حداقل در ایران با این عنوان انجام نگرفته است بنابراین به ضرس قاطع می‌توان گفت پژوهشی با این عنوان برای اولین بار انجام می‌گیرد.

مارکوس فوت¹ با همکاری پاول سندرز² (2004) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی در مجتمع‌های آپارتمانی شهری» در کشور استرالیا انجام داده‌اند. آن‌ها در تحقیق خود به بررسی شکل‌گیری و احیای شهرهای شبکه‌ای مانوئل کاستلز می‌پردازند که محصول نفوذ ابزارهای ارتباطی پیشرفته مانند اینترنت و موبایل می‌باشند به زعم این دو نفوذ چنین فناوری ارتباطی به ویژه در سطح آپارتمان‌های شهری امکان شکل‌گیری تعامل اجتماعی و نیر شبکه‌های ارتباطی و به تبع آن‌ها اعتماد اجتماعی خاصه در بین فضاها و عرصه‌های همسایگی، میدانی شهر، اماکن عمومی و نظایر آن را با خطر جدی مواجه ساخته است بدیهی است در یک چنین شرایطی امکان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مشکل می‌نماید به همین خاطر توجه به احیای آن به ویژه در آپارتمان‌های شهری و در بین همسایگان و ساکنین ضرورت می‌یابد، تحقیق مزبور میدانی بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات آن پرسشنامه است.

مارکوس فوت و گرگ هیرن³ (2007) در پژوهشی با عنوان «هردگرایی شبکه‌ای ساکنین شهر:

1. Marcus Foth
2. Powell Sanders
3. G. Hearn

کشف اکولوژی ارتباطی در آپارتمان‌های مسکونی داخل شهر» به بررسی الگوهای تعاملی و به تبع آن کیفیت سرمایه اجتماعی بین ساکنین آپارتمان‌های استرالیا، با وجود برخورداری از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می‌پردازند. تحقیق مزبور از نوع کیفی بوده و روش تحقیق اقدام پژوهی است. چارچوب مفهومی تحقیق فردگرایی شبکه‌ای است نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که آپارتمان نشینان به جای ارتباطات جهانی به ارتباطات محلی اولویت می‌دهند و تعامل با همسایگان و افراد محله به مراتب بیش از ارتباطات جهانی و یا افرادی که به لحاظ جغرافیایی پراکنده هستند، برایشان حایز اهمیت است.

توماس اچ. سندر¹ (2008) در پژوهشی با عنوان «شهرنشینی جدید و سرمایه اجتماعی» به بررسی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در شهرهای جدید می‌پردازد و معتقد است برای کاستن از شدت حاشیه نشینی در حومه‌های شهرها و آلونک نشینی می‌بایست با کمک سیاست‌هایی، اجتماعات آپارتمانی را تقویت کرد اما در این امر باید به مسئله سرمایه اجتماعی به طور جدی پرداخته شود. نویسنده جایگاه مهمی به اعتماد اجتماعی قائل بوده و معتقد است با داشتن شرایط اعتماد عمومی در شهرهای جدید می‌توان به داشتن مواردی چون کوچه خیابان‌های امن، شهروندان سالم و با نشاط، آموزش و پرورش کارآمد، دموکراسی پاسخگو و بالاخره رفاه کودکان امیدوار شد. نویسنده معتقد است با توسل به اعتماد اجتماعی می‌توان درگیر رفتارهای متقابل شده و بدون چشم‌داشتی و یا انتظار جبران لطفی، به دیگران کمک کرد، وی معتقد است در نهایت همه از اعتماد و نتایج آن سود خواهند برد. این تقابل و مقابله به مثل می‌تواند با دوستان، آشنایان، خانواده، همسایه‌ها، همکاران، کلیسا و... باشد، همان‌طور که رابرت پاتنام² اظهار می‌کند این تقابل با گروه‌های بزرگ (همکاران، همسایه‌ها، کلیسا و...) بسیار ارزشمند بوده و به سیالیت و روان‌سازی تعامل اجتماعی کمک می‌کند.

گلینزر³ و ساسردات⁴ (2000) در تحقیقی که با عنوان «پیامدهای اجتماعی/اسکان» در سال 2000 انجام داده‌اند سوال خود را به این شکل مطرح می‌کنند که: چگونه محیط فیزیکی بر تعامل اجتماعی اثر می‌گذارد؟ آن‌ها در پاسخ به این سوال اقدام به تحلیل آیین نامه‌ها و مقررات اجرایی و سیاستگذاری‌ها علی‌الخصوص مقررات مربوط به منطقه‌بندی⁵ و نیز آیین نامه ساخت مسکن عمومی می‌کنند مقرراتی که بر محیط فیزیکی و مسکونی انسان‌ها تاثیر می‌گذارند. آن‌ها کار خود را با این سوال اولیه آغاز می‌کنند که آیا ساختمان‌های بلند و بزرگ (در اینجا

1. Thomas h. Sander
2. Robert Putnam
3. Edward L. Glaser
4. Bruce Sacerdote
5. Zoning

مجتمع‌های آپارتمانی بزرگ) در مقایسه با خانواده‌های منفرد و مجزا¹، که دور از خانه‌های مجاور ساخته شده‌اند و با همسایه‌ها و محیط اطرافشان ارتباط خوبی دارند شهروندان خوبی هستند یا آپارتمان‌نشینان، میزان رخداد جرایم در کدامیک از آن‌ها بیشتر است؟ در صورتی که این حقیقت مشخص شود که ساختار ساختمان بر اخلاق شهروندی، جرم و تعاملات اجتماعی می‌گذارد در آن صورت رویدادهای بیرونی با طراحی و معماری منازل مسکونی ارتباط خواهد داشت.

آن‌ها در راستای سوالات فوق سه سوال بنیادی تحقیق خود را بدین شکل مطرح می‌کنند که:

- آیا بین شهروندی و ساختار اسکان ارتباطی وجودی دارد؟ یک دلیل احتمالی برای این سوال می‌تواند این باشد که افرادی که در خانه‌های مجزا و منفرد زندگی می‌کنند مستقیماً با محیط اطرافشان در ارتباطند (به خاطر کار در حیاط خانه و اشراف بر در و همسایه، باغبانی کردن و تعامل با همسایه‌ها و محیط مجاور و نظایر آن) و نیز این‌که تقسیم کار در یک ساختمان از حجم و اندازه ساختمان ناشی می‌شود. اغلب در ساختمان‌های بزرگ افراد حرفه‌ای زیادی زندگی می‌کنند که مجبورند با محیط پیرامونی خود ارتباط داشته باشند ولی در خانه‌های مجزا ساکنین همه فن حریف و متخصص همه کاره است لذا نیاز کمتری به دیگران و تعامل با آن‌ها دارد. در واقع منظور این است که بین زندگی در آپارتمان‌های چند واحدی و مشارکت در برنامه‌ها و حل مسائل و مشکلات محلی رابطه وجود دارد که خود این رابطه طیف وسیعی از ویژگی‌های شخصیتی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

- سوال دوم این است که آیا آپارتمان و زندگی آپارتمانی بیشتر زمینه ساز پیوندها و تعاملات اجتماعی است یا زمینه‌ساز گمنامی و احساس غریبگی؟ همه می‌دانیم که چون فاصله فیزیکی بیشتر افراد را از هم دور کرده و مانع از تعامل اجتماعی است در آپارتمان افراد در مجاورت و همسایگی هم بوده و لذا انتظار می‌رود بیشتر همسایه‌ها ارتباط داشته باشند از طرف دیگر حکایت مربوط به چهار دیواری اختیاری و احساس گمنامی در آپارتمان و بین آپارتمان‌نشینان بسیار زیاد است در حالی در خانه‌های مجزا افراد بخاطر وجود فضای بیرونی مشترک بیشتر با همسایه‌ها فرصت تعامل دارند. این دو محقق براساس یافته‌های تحقیق خود نتیجه می‌گیرند که در آپارتمان‌های بزرگتر افراد تمایل بیشتری دارند تا با هم تعامل داشته باشند همچنین از فضاهای عمومی با همسایه‌هایشان استفاده کنند که خود این امر فرصت‌های آمیزش اجتماعی بیشتر و مشارکت در امور

مختلف (حضور در کلیسا و صله ارحام) را در بین آنها تقویت می‌کند.

- سوال سوم آنها این بود که آیا ساختار ساختمان بر جرم تاثیر دارد. دو پاسخ احتمالی برای ادعای بالا بودن نرخ جایم در آپارتمان‌ها و ساختمان‌های چند واحدی مطرح می‌شود، تراکم¹ و فاصله از خیابان. اولاً هرچه میزان تراکم در واحدهای آپارتمانی بیشتر باشد به همان میزان ساکنین بیشتر چشمان کنترل و نظارت را دور دیده و لذا فراغت بال احساس خواهند کرد و این احتمال وقوع رفتار جرم‌آمیز را افزایش خواهد داد. ثانیاً همان‌طور که جیکابز می‌گوید دوری از خیابان به این جهت مهم است که وقتی ساکنان احساس کنند که از فضاهای عمومی یا مشترک و نیز محیط اطراف دور هستند و اعمال نظارت، مداخله، کنترل و ممانعت از ارتکاب رفتار جرم‌آمیز سخت‌تر است به راحتی می‌توانند دست به هر کار خلافی بزنند.

به زعم این دو محقق مبنای تئوریک این ادعا که نوع ساختمان می‌تواند بر روابط اجتماعی افراد آن تاثیر بگذارد این است که در ساختمان‌های بزرگ فضای فیزیکی کمتری بین ساکنین وجود دارد و در منازل آپارتمانی فاصله فیزیکی بین افراد کمتر از خانه‌های منفرد و مجزا است از طرف دیگر تئوری‌های روابط اجتماعی حاکی از آن هستند زمانی که هزینه‌های رابطه یا پیوند اجتماعی کاهش می‌یابد رابطه تقویت می‌شود و در عین حال فاصله بیشتر هزینه رابطه را افزایش خواهد داد شواهد مختلف موید این امر هستند که حداقل فاصله فیزیکی بین افراد به طور قابل ملاحظه‌ای رابطه اجتماعی آنها را کاهش می‌دهد.

گلاس و همکارانش نتیجه می‌گیرند که کاهش فاصله فیزیکی بین همسایه‌ها در آپارتمان می‌تواند به افزایش تعامل بین آنها منجر شود و این به واسطه وجود عرصه‌های عمومی مانند راهروها و آسانسور میسر می‌شود. نباید این نکته را فراموش کرد که در منازل منفرد و مجزا هم وجود عرصه‌های مشترک به رونق تعاملات اجتماعی همسایگان منتهی می‌شود. تاکید بیشتر بر مجتمع‌های آپارتمانی به این دلیل است از آن‌جا که در این قبیل محیط‌ها، واحدها اغلب کوچک طراحی می‌شوند ساکنین مجبورند بیشتر از فضاهای عمومی و مشترک (برای خوردن و نوشیدن و نیز تفریح و فراغت) استفاده کنند که خود استفاده از این محیط‌های تفریحی مشترک به نوبه خود به تقویت تعامل و در نتیجه سرمایه اجتماعی بین آنها کمک می‌کند.

در خاتمه آنها نتیجه می‌گیرند که زندگی آپارتمانی به تقویت رابطه و تعامل اجتماعی ساکنان منجر می‌شود ولی باعث مشارکت آنها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های آپارتمان نمی‌شود دلیل آن هم این است که در آپارتمان‌ها بخش زیادی از امور به چند نفر از مدیران واگذار

می‌شود و ساکنین دلیلی برای مداخله و درگیری بیشتر با همسایه‌ها و هم آپارتمانی‌ها نمی‌بینند درست بر خلاف واحدهای مسکونی منفرد و مجزای از هم. ذکر این نکته مهم خالی از لطف نخواهد بود که حال که رابطه مهم ساختار آپارتمان با نتایج اجتماعی (در اینجا تعامل و به تبع آن سرمایه اجتماعی) مشخص شده است توجه به این مهم باید در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی لحاظ شود.

ملاحظات نظری

امروزه در کشور ساخت و سازهای شهری با تولید و مدیریت موازی چندین سازمان و نهاد دولتی و غیر دولتی انجام می‌گیرد مانند سازمان مسکن و شهرسازی، تعاونی‌های مسکن ادارات، سازمان عمران شهری وابسته به استانداری‌ها، نظام مهندسی و چندین نهاد و سازمان دیگر و بالطبع موازی کاری این سازمان‌ها از یکسو و عدم شفافیت و به روز نبودن آیین نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌های ساخت و ساز مسکن عمومی (مجموعه‌های شهری) از سوی دیگر مجموعاً شرایطی را پدید آورده است که این بخش با مسائل و تنگناهای عدیده‌ای مواجه باشد نگاهی به محتوای دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌های ابلاغی وزارت مسکن و شهرسازی حاکی از آن است که در آیین نامه و دستورالعمل‌های مزبور چندان عنایتی به زیرساخت‌های سرمایه اجتماعی نشده است، نیم نگاهی به دستورالعمل‌ها و سیاست‌های ابلاغی دولت به سازمان‌های نظام مهندسی استان‌ها، سازمان مسکن و شهرسازی به عنوان متولی رسمی و قانونی ساخت و سازهای شهری، دفاتر فنی - مهندسی و عمران مستقر در استانداری‌ها همچنین نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور، اساسنامه سازمان ملی زمین و مسکن ابلاغیه معاون رئیس جمهور دولت دهم در این زمینه، دستورالعمل نحوه عمل ماده 12 آیین‌نامه اجرائی مصوب بهمن ماه 1375 قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب اسفندماه 1374، آیین‌نامه ماده 27 قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و غیره این ادعا به راحتی قابل اثبات است، هم در موارد مذکور و هم در سیاست‌های توسعه مسکن شهری ابلاغیه سال‌های 1375-1374 توجه به رعایت اصول مهندسی سرمایه اجتماعی، طراحی فضاهای آپارتمانی به شکلی که امکان روابط اجتماعی هنجارمند، تعاملی و مناسبات شبکه‌ای بین ساکنین را قوت ببخشد غایب است گویا این نقصان حاکی از تلاش حسرت‌وار ایرانی برای دستیابی به مدرنیته ناقص و مخرب و در عین حال فرار از سنت دیرینه و بومی است به معنای دیگر تلاشی است برای ایجاد یک نوع رفاه نسبی و ناقص فراگیر برای توده‌های شهری همراه با نوستالژی شبکه‌ها و روابط اجتماعی صمیمانه و پیوندهای سنتی در سبک و سیاق اجتماعات گماینشافتی، اینکه تا چه حد معضلات و آسیب‌های موجود

در محیط‌های آپارتمانی محصول فقدان سرمایه اجتماعی (اعتماد و تعاملات اجتماعی و هنجارهای برخاسته از آن) یا ناشی از سبک معماری و فقدان الگوهای پیوند دهنده طراحی است سوالی است که تحقیق حاضر بر آن است تا با مبانی نظری و پشتوانه تئوریک به صورت میدانی مورد بررسی قرار دهد همچنین محقق بر آن است تا مشخص کند با وجود ضرورت مجتمع سازی، تا چه میزان در ساخت و سازهای مزبور به زمینه‌های سرمایه اجتماعی (اعتمادسازی از طریق تقویت عرصه‌های تعامل و ارتباط میان ساکنین) پرداخته می‌شود؟ آیا اساساً می‌توان مجتمع‌های آپارتمانی با رویکرد سرمایه اجتماعی طراحی کرد؟ سیمای کلی مجتمع‌های آپارتمانی شهر اردبیل از نظر شاخص‌های سرمایه اجتماعی چگونه است؟ در صورت امکان چه پیشنهادهایی می‌توان به مسئولین و طراحان و بالاخره افراد ذیربط و فعال در این عرصه ارائه داد؟ پیامدهایی فقدان یک چنین تدابیر را شناسایی کرد و در پایان راهکارهای عملی لازم را مطرح نمود.

ضروری است مسئولان شهری، مهندسين، طراحان و معماران شهری در طراحی و ساخت فضاهای آپارتمانی به بسترسازی شبکه‌های همسایگی و فضاهای تسهیل کننده آن توجه جدی نمایند و با تلفیق مهارت‌های مهندسی سرمایه اجتماعی، اصول و طراحی معماری اسلامی - ایرانی، بستر مناسب برای پیوند و اختلاط اجتماعی و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی را فراهم نمایند، این که در ساخت و ساز مجتمع‌های شهری اردبیل چه میزانی فقدان سرمایه اجتماعی (شبکه‌های تعاملی و پیوندی و اعتماد عمومی) ناشی از الگوها و شکل طراحی است (سالن‌ها، راهروها، پله‌ها، آسانسورها، پارکدها، فروشگاه، مهدکودک، نانوایی و سایر فضاهای عمومی موجود در مجتمع‌ها) سوال جدی این پژوهش است.

سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند بعدی¹ بوده و شامل هنجارها و شبکه‌های اجتماعی است به عبارت دیگر منظور از سرمایه اجتماعی شبکه‌های اجتماعی همراه با هنجارها و ارزش‌های و تفاهات مشترکی است که همکاری میان گروه‌ها را تسهیل می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی برای اولین بار در دهه 1990 با انتشار مجموعه مقالاتی که بعدها پاتنام در قالب کتابی با عنوان «بازی بولینگ در تنهایی» (2000)² منتشر کرد، توجه عمومی را برانگیخت. در این کتاب نویسنده به بررسی افول سرمایه اجتماعی طی چند دهه گذشته می‌پردازد. سرمایه اجتماعی با مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم آثار فردی - اجتماعی متعددی چون سلامتی و بهداشت جسمی - روانی فرد در بر داشته باشد.

دانشمندان در حوزه‌های مختلف روی مقوله سرمایه اجتماعی کار کرده و دریافته‌اند که چگونه

1. Multi-Facet
2. Bowling alone

مناسبات میان گروه‌ها و سازمان‌ها با نتایج اقتصادی و سیاسی مرتبطاند، اقتصاددانان و علمای سیاسی از رویکرد سرمایه اجتماعی برای بررسی کنش مشترک¹ به مثابه پیامد تعامل یا مناسبات شبکه‌ای استفاده می‌کنند (استروم و دیگران، 1994). جغرافی دانان علاوه بر تاکید بر کنش مشترک و ساختار اجتماعی، بر ابعاد فضایی سرمایه اجتماعی تاکید کرده‌اند آن‌ها سرمایه اجتماعی را در ارتباط بسیار تنگاتنگی با بهم پیوستگی ساکنین محلات جغرافیایی خاص در نظر می‌گیرند جایی که فضا هم تسهیل‌کننده اقدامات و پایدارای یک چنین ارتباطاتی است و هم محدود کننده آن (گرتر، 1997) محققان سیاست عمومی و برنامه‌ریزی شهری با استفاده از مباحث سرمایه اجتماعی به ارزیابی توان بالقوه استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ایجاد محلات (اجتماعات) در زمینه‌هایی چون توسعه اقتصادی و تولید مسکن پرداخته‌اند. (وولکاک، 1998)

روان‌شناسان محیطی هم به مطالعه اثرات محله‌های مختلف زندگی انسان مثل محله‌های کم ارتفاع و ویلایی، آپارتمانی، فقیرنشین و غیره بر پیدایش الگوهای رفتاری می‌پردازند. هدف روان‌شناسی محیطی کاربردی، مدیریت بهتر محیط برای زندگی و رشد روانی بهتر است. این رشته به مطالعه راه‌های موثر حفظ محیط طبیعی، روش‌های بهتر طراحی شهرها و محلات، و ابزارهای ارتقاء آگاهی محیطی در بین مردم می‌پردازد به تعبیری روانشناسی معماری به مطالعه چگونگی بازتاب نیازها و اولویت‌های مردم در سبک‌های معماری و نیز چگونگی شکل‌دهی رفتارها توسط طراحی‌های مختلف می‌پردازد.

تعریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به مجموعه روابط و مناسبات اجتماعی دلالت می‌کند که به افراد کمک می‌کند تا با کمک یکدیگر امور را به بهترین شکل و بر وفق مرادشان به پیش ببرند نسبت به زمانی که تنها عمل می‌کنند، از این منظر الگوهای سازمان اجتماعی بویژه اعتماد، تقابل² و مقابله به مثل³، از منابع اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که می‌توانند عواید و منافع ارزشمندی برای افراد و گروه‌ها و بالاخره جامعه به ارمغان بیاورند. در تعبیر ظریف‌تری از سرمایه اجتماعی، همکاری متقابلا سودمند، جوهره اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد سرمایه اجتماعی عبارت است از ظرفیت متراکم گروه‌های اجتماعی برای همکاری و کارکرد مشترک در جهت نیل به خیر عمومی⁴ (مونتگومری؛ 1998).

جامعه‌شناسان در بحث از سرمایه اجتماعی بیشتر بر موارد زیر تاکید می‌کنند، سرمایه اجتماعی

1. Communal Action
2. Mutuality
3. Reciprocity
4. Common good

همان اعتماد، تقابل و مقابله به مثالی است که ذاتی مناسبات اجتماعی بوده و تا جایی متراکم و انباشت می‌شود که افراد گروه‌های اجتماعی مختلف بتوانند به تفاوت‌های همدیگر احترام گذاشته و یاد بگیرند فراتر از خانواده و قوم و طایفه باهم همکاری کنند. اعتماد و تقابل به مفهوم جامعه شناختی کلمه دو عنصری هستند که اغلب از آن‌ها به عنوان «منابع اخلاقی»¹ یاد می‌شود.

نباید این نکته مهم را فراموش کرد که سرمایه اجتماعی در تاریخ، فرهنگ و سنت‌ها ریشه دارد. بر خلاف سرمایه انسانی یا فیزیکی، سرمایه اجتماعی امر رابطه‌ای² بوده و در درون ساختار اجتماعی خاص شکل می‌گیرد، وقتی ساکنین یک محله به کرات با یکدیگر تعامل دارند احساس یک‌دلی کرده و به یکدیگر اعتماد پیدا می‌کنند و در شرایطی که افراد (در اینجا ساکنین مجتمع آپارتمانی) با یکدیگر رابطه و تعاملی ندارند صحبت کردن از سرمایه اجتماعی بیهوده است عبارت دور کیمی که واقعیت‌های اجتماعی³ در بستر اجتماعی شکل گرفته و حیات می‌یابند تحلیل و تبیین آن هم به واسطه و از طریق واقعیت‌های اجتماعی دیگر میسر است به همین دلیل کلمن (1990) سرمایه اجتماعی را به منبعی تعبیر کرد که به افراد تعلق می‌گیرد زیرا به توسعه گستره روابط و مناسبات اجتماعی آن‌ها منجر می‌شود یک فرد با گستره ارتباطی وسیع، خاصه با منزلت اجتماعی بالا، از سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده می‌کند زیرا او این مناسبات را برای خود به یک ارزش تبدیل می‌کند.

بورديو (1986) نیز معتقد بود که حجم⁴ سرمایه اجتماعی که یک فرد از آن برخوردار است به اندازه و حجم شبکه‌ای وابسته است که او می‌تواند به طرز موثری برانگیزد، عنصر اصلی این شکل از سرمایه اجتماعی دسترسی به اطلاعات بوده و از این‌رو تحصیلات و ارتباطات، دانش را به منبع شخصی تبدیل می‌کند، امروزه دیدگاه مزبور از سوی اغلب صاحب‌نظران مکاتب مدیریت ایده پذیرفته شده‌ای است.

در زمینه سیاست پرنفوذترین اثر کار اندیشمند علوم سیاسی، رابرت پاتنام (1993) می‌باشد وی با استفاده از تراکم تاریخی انجمن‌های مدنی بیرون از خانواده و فامیل، به تبیین تفاوت‌های بین توسعه اقتصادی و حاکمیت در شمال و جنوب ایتالیا می‌پردازد. به زعم او، اعتماد اجتماعی، هنجارهای مربوط به شبکه‌های تقابل، مشارکت مدنی و همکاری موفق متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند. همکاری موثر نهادها مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین فردی است ولی این مهارت‌ها و اعتماد به واسطه همکاری‌های سازمان یافته تقویت و تثبیت می‌شوند.

1. Moral resource
2. Relational
3. Social fact
4. Volume

در دیدگاه‌های مورد بررسی مربوط به سرمایه اجتماعی، پنج مولفه اصلی تعیین شده‌اند که عبارتند از: گروه‌ها و شبکه‌ها، اعتماد، کنش جمعی، شمولیت اجتماعی¹ و اطلاعات و ارتباطات².

پیوندهای درون گروهی و برون گروهی

به لحاظ کارکردی سرمایه اجتماعی به دو نوع متمایز تقسیم می‌شود سرمایه اجتماعی درون گروهی و سرمایه اجتماعی برون گروهی به عبارت دیگر تمایز بین روابط اجتماعی داخل اجتماعات و گروه‌ها با پیشینه فرهنگی و منزلتی مشابه و پیوندهای برون گروهی بین افراد و گروه‌های غیرمشابه. این در حالی است که مناسبات اجتماعی بین افراد با واحدهای همسایگی³، قومی، مذهبی مشترک یا پیوندهای خانوادگی می‌تواند منابع عظیمی از امنیت، حمایت متقابل و نشاط⁴ را فراهم سازد.

سرمایه اجتماعی مثبت و سرمایه اجتماعی منفی

سرمایه اجتماعی همانند سایر پدیده‌های اجتماعی دیگر هم دارای کارکردهای مثبت است و هم کارکردهای منفی، معیار و شاخص تعیین کارکردهای مثبت و یا منفی بهره‌مندی‌های جمعی از سرمایه اجتماعی است آنجا که سرمایه اجتماعی گروه‌های مختلف جامعه را به هم نزدیک کرده و موجب انسجام اجتماعی، تقویت مکانیزم‌های نرم افزاری نظم اجتماعی و بالاخره کاهش گستره آسیب‌های اجتماعی شود مفید ارزیابی می‌شود و آنجا که پیوندهای درون گروهی را تقویت نماید و باعث شکل‌گیری خرده گروه‌های متعدد ولی متعارض با نظام اجتماعی شود مضر و منفی ارزیابی می‌شود. در واقع تمایز بین انجمن‌ها و گروه‌هایی است که کنش‌ها و رفتارهایشان به لحاظ اجتماعی مثبت تلقی می‌شود و آن‌هایی که پیامدهای اجتماعی منفی‌ای دارند. گروه‌هایی چون گروه‌های کجرو خیابانی، گروه‌های مافیایی یا کوکلاکس مبتنی بر پیوندهای عمیق درونی هستند (سرمایه اجتماعی مثبت) در حالی که نسبت به دیگران (افراد غیر خودی) بی‌تحمل، متنفر و حتی خشونت به خرج می‌دهند (سرمایه اجتماعی منفی). اگر هسته اصلی سرمایه اجتماعی را پیوند و اعتماد بین افراد تصور کنیم می‌توان آن را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند:

الف. پیوندهای عینی بین افراد: نوعی ساختار شبکه‌ای عینی می‌بایست برقرار کننده ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با

1. Social inclusion
2. Information and communic
3. Neighborhoods
4. Conviviality

یکدیگر پیوند دارند.

ب. پیوند ذهنی: پیوندهای بین افراد می‌بایست دارای ماهیت متقابل مبتنی بر اعتماد و دارای هیجان‌ات مثبت باشد.

می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد و پیوند است این دو جزء معرف تقسیم‌بندی سنتی موجود در نظریه اجتماعی بین ساختار و محتواست و از بعد دیگر می‌توان گفت که این دو جزء بیانگر جنبه‌های کمی و کیفی سرمایه اجتماعی هستند (شارع‌پور، 72:1383).

سوالات و فرضیات تحقیق

- آیا کیفیت استقرار واحدهای موجود در مجتمع‌های آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین تاثیر دارد؟
- آیا تعداد واحدهای موجود در مجتمع‌های آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین تاثیر دارد؟
- آیا نوع معماری مجتمع‌های آپارتمانی بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تاثیر دارد؟
- بین فضاهای عمومی مجتمع‌های آپارتمانی و سرمایه اجتماعی بین ساکنین آن رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین احساس امنیت اجتماعی ساکنین مجتمع‌های آپارتمانی و سرمایه اجتماعی بین آن‌ها رابطه مثبتی وجود دارد.
- نحوه طراحی طبقات مجتمع‌های آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین تاثیر زیادی دارد.
- نحوه طراحی واحدهای همسایگی بر سرمایه اجتماعی بین ساکنین تاثیر زیادی دارد.

روش شناسی

تحقیق از نوع علی - همبستگی بوده و به صورت پیمایشی انجام می‌گیرد. با تعریف عملیاتی متغیرها، پرسشنامه اولیه تهیه و در اختیار 30 نفر نمونه تصادفی قرارگرفت بعد از سنجش روایی و پایایی، پرسشنامه نهایی تهیه و جهت جمع آوری اطلاعات بین پاسخگویان نمونه توزیع شد شیوه تکمیل پرسشنامه به صورت خود-اجرا بود پاسخگویان افراد گروه سنی 20 تا 65 سال بودند دلیل انتخاب این گروه داشتن تجربه تعامل و آشنایی با افراد مجتمع و همکاری با پرسشگران بود.

جامعه آماری

جامعه آماری عبارتست از کلیه مجتمع‌ها و واحدهای آپارتمانی بیش از سه طبقه و نیز ساکنین آن‌ها در شهر اردبیل که تعداد 120000 نفر و مجتمع‌ها و واحدهای آپارتمانی مجموعاً 250 مورد برآورد شدند این واحدها و مجتمع‌ها به صورت تصادفی انتخاب شده و از بین آن‌ها تعداد افراد ساکن به نسبت تعیین شده شناسایی و مورد پرسشگری قرار گرفتند.

روش و طرح نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای است با توجه به پراکندگی آپارتمان‌ها در نقاط مختلف شهر، ابتدا شهر را به سه منطقه تقسیم کرده و از بین مناطق مزبور چند مجتمع آپارتمانی انتخاب شده و از بین آن‌ها واحدهای نمونه انتخاب و کار تکمیل پرسشنامه و گردآوری اطلاعات انجام گرفت. شیوه نمونه‌گیری و برآورد حجم نمونه با استفاده از دو روش برآورد مورگان (1970) و نیز فرمول برآورد حجم نمونه کوکران انجام گرفت.

حجم نمونه و روش محاسبه

حجم نمونه بر اساس فرمول برآورد نمونه کوکران برابر با (399) و براساس جدول تعیین نمونه مورگان برابر با (384) بود که به نمونه 400 نفری ارتقا یافت. فرمول شماره 1. تعیین حجم نمونه با فرمول کوکران:

$$n = \frac{t^2(pq)}{(0.05)^2} \div \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2(pq)}{(0.05)^2} - 1 \right) \right)$$

که بر اساس فرمول فوق حجم نمونه برابر است با:

با توجه به میزان خطای مورد نظر (0/05) مقدار $t = 1/96$ و برابر با 2 در نظر گرفته شد. P به علت نامشخص بودن واریانس یا میزان احتمال توزیع صفت در جامعه برابر با (0/05) در نظر گرفته شد.

Q احتمال عدم توزیع صفت در جامعه (0/5)

d حدود اطمینان یا میزان خطا برابر با (0/05)

N حجم جامعه آماری (برابر 120000 نفر)

$$n = \frac{2^2(.50)(.50)}{(.05)^2} \div \left(1 + \frac{1}{12000} \left(\frac{2^2(.50)(.50)}{(.05)^2} - 1 \right) \right) = 387$$

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده است در کنار این روش‌ها از تکنیک کیفی تحلیل کنش هم استفاده شد به این صورت که در کنار مصاحبه با ساکنین و آگاهی از نگرش‌ها و اظهار نظرهای مرتبط با موضوع به مشاهده رفتار آن‌ها در محیط، مشاهده و کیفیت معماری بسترهای زمینه ساز سرمایه اجتماعی (مانند وجود عرصه‌های مشترک مانند پارکینگ، وسعت طبقات، راه پله، راهرو مشترک، تعداد ورودی‌ها، حیاط مشترک، آمفی تئاتر، نانوایی، کفاشی، آرایشگاه و...) در مجتمع‌های مزبور اقدام گردید.

ابزار تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخص‌های آمار توصیفی (شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی) و همچنین برای تحلیل داده‌های آمار استنباطی از شاخص آماری مناسب که در بسته نرم‌افزاری¹ و یا موجودند استفاده شد شاخص‌هایی چون؛ ضرایب همبستگی پیرسون، تائو بی و سی، اسپیرمن، کای اسکور، ضرایب رگرسیونی، تحلیل مسیر و تحلیل عاملی متناسب با سطوح اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق.

روایی و پایایی ابزار

بعد از طراحی پرسشنامه نمونه اولیه جهت تعیین اعتبار (روایی²) صوری در اختیار چند نفر از متخصصین از جمله اساتید محترم راهنما و مشاور قرار گرفت و بعد از اصلاح موارد پیشنهادی، پرسشنامه نهایی جهت جمع‌آوری اطلاعات در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. برای محاسبه شاخص آماری پایایی ابزار، تعداد 30 عدد از پرسشنامه به طور تصادفی در اختیار عناصر جامعه آماری قرار گرفت و مقدار آلفای بدست آمده ابتدا برابر با $(\alpha=0/66)$ بود بعد از اصلاح پرسشنامه و حذف گویه‌های با ضریب همسازی پایین‌تر، پرسشنامه اصلی با مقدار آلفای برابر با $(\alpha=0/823)$ تعیین شد در جدول زیر مقدار این آزمون نشان داده شده است.

جدول شماره 1. آزمون پایایی با استفاده آلفای کرونباخ

تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ
56	0/833	0/823

1. spss. lisrel. Amos.

2. Validity

جدول شماره 2: توزیع پاسخگویان بر حسب رابطه تعداد واحدهای موجود مجتمع آپارتمانی با سرمایه اجتماعی

تعداد واحدهای مجتمع یا آپارتمان	سرمایه اجتماعی ساکنین مجتمع یا آپارتمان		
	سرمایه اجتماعی بالا	سرمایه اجتماعی متوسط	سرمایه اجتماعی پایین
کم	1	9	26
متوسط	22	201	57
بالا	21	49	0
جمع کل	44	259	83

$$\chi^2 = 95.481 \quad \chi^2 (4, 95\%) = 9/49$$

با توجه به جدول فوق مقداری کای اسکور با درجه آزادی $DF=4$ و در سطح $(Sig= 0/000)$ برابر است با $(481/95)$ ، بنابراین فرضیه مزبور تایید می‌شود به تعبیر دیگر بین تعداد واحدهای آپارتمان‌ها و میزان سرمایه اجتماعی ساکنان رابطه معناداری وجود دارد به بیان دیگر هر چه تعداد واحدها و به تبع آن ساکنین بیشتر باشد به همان میزان میزان سرمایه اجتماعی (اعتماد و هنجارهای حاکم، شبکه‌های اجتماعی میان آن‌ها) بیشتر خواهد بود این یافته نشان می‌دهد بین میزان تراکم واحدهای مجتمع و سرمایه اجتماعی ساکنین رابطه معناداری وجود دارد البته بدون تردید این رابطه تا محدوده‌ای می‌تواند صادق باشد و بعد از حد مناسبی می‌تواند سرمایه اجتماعی را به خطر بیندازد بر این اساس لازم است در محیط‌های شهری مطابق شرایط فرهنگی، قومی و اجتماعی دقت ویژه‌ای برای تعیین تعداد استاندارد واحدها در نظر گرفته شود تا سرمایه اجتماعی به مخاطره نیفتد.

جدول شماره 3: توزیع پاسخگویان بر حسب رابطه شکل و فرم مجتمع آپارتمان با سرمایه اجتماعی ساکنان

جمع	کیفیت طراحی مجتمع			سرمایه اجتماعی ساکنین
	خوب	متوسط	ضعیف	
83	0	78	5	سرمایه پایین
259	3	256	0	سرمایه متوسط
44	15	29	0	سرمایه بالا
386	18	363	5	جمع

$$\chi^2 = 114.995 \quad \chi^2 (4, 95\%) = 9/49$$

شکل هندسی و نسبت هندسی اندازه‌های مربوط به فضاهای اندرونی مجتمع‌ها (دیوارها، راهروها، خود آپارتمان و...) با سرمایه اجتماعی رابطه دارد یعنی در تسهیل روابط بین افراد یا تحدید آن و در نتیجه اعتماد متقابل بسیار تعیین کننده‌اند. شاخص آماری کای اسکور با درجه آزادی (DF = 4) و در سطح معناداری (Sig = 0/000) برابر است با (995/114) بنابراین با توجه به آماره‌های فوق رابطه بین « کیفیت معماری مجتمع آپارتمانی با سرمایه اجتماعی ساکنین » تایید می‌شود

جدول شماره 4: توزیع پاسخگویان بر حسب رابطه فضاهای عمومی مجتمع با سرمایه اجتماعی ساکنین

جمع کل	فضاهای مشترک مجتمع یا آپارتمان			سرمایه اجتماعی ساکنان
	زیاد	متوسط	کم	
83	0	10	73	سرمایه پایین
259	0	41	218	سرمایه متوسط
44	1	10	33	سرمایه بالا
386	1	61	324	جمع کل

$$\chi^2 = 10.428 \quad \chi^2 (4, 95\%) = 9.49$$

شاخص کای اسکور با درجه آزادی (DF=4) و در سطح معناداری (0/034) برابر است با (10/428)، با توجه به آماره‌های فوق ادعای وجود رابطه بین « فضاهای عمومی آپارتمان یا مجتمع آپارتمانی با سرمایه اجتماعی ساکنین » تایید می‌شود عموماً وقتی از فضاهای عمومی و مشترک آپارتمان‌ها و یا مجتمع‌های آپارتمانی صحبت می‌شود ذهن متوجه حیاط، پارکینگ زمین بازی می‌شود در حالیکه در الگوی مدرن اسکان آپارتمانی مواردی چون فروشگاه‌ها، خشکشویی، کلیسا یا عبادتگاه‌های عمومی، مهدکودک و مدرسه، شورای مجتمع آپارتمانی، سالن همایش، وجود یک دالان یا راهروی عمومی بزرگ اختصاصی برای تعامل روزانه ساکنین همه طبقات، مراکز خدمات عمومی مانند کفاشی و درمانگاه، نانواپی و... مد نظر می‌باشد زیرا به واسطه و از طریق این مکان‌ها فرصت لازم را برای تعامل نزدیک و چهره به چهره افراد فراهم می‌شود به نظر می‌رسد فرسایش سرمایه اجتماعی و یا وجود حداقل سرمایه اجتماعی در مجتمع‌های مزبور ناشی از فقدان این قبیل فضاها می‌باشد که خود توجه بسیار عاجل و جدی و در عین حال مدیریت شده این مکان‌ها را می‌طلبد.

جدول شماره: 5 توزیع پاسخگویان بر حسب رابطه نحوه طراحی طبقات مجتمع آپارتمانی با سرمایه اجتماعی

مجموع	کیفیت طراحی طبقات		سرمایه اجتماعی ساکنان مجتمع
	مناسب	نامناسب	
83	9	74	سرمایه اجتماعی پایین
259	164	95	سرمایه اجتماعی متوسط
44	37	7	سرمایه اجتماعی بالا
386	210	176	مجموع

$$\chi^2 = 87.424 \quad \chi^2 (4, 95\%) = 9.49$$

براساس شاخص‌های آماری فوق مقدار کای اسکور با درجه آزادی (Df=2) و سطح معناداری (sig=0/000) برابر است با (424/87). مقدار ضرایب همبستگی گاما و کندال بی به ترتیب برابرند با (0/444)(0/798) که هر دو موید وجود رابطه معنادار بین دو متغیر فوق می‌باشند. بدون تردید شکل واحدهای هر طبقه از نظر دسترسی راحت و بدون دردسر به یکدیگر، وجود فضای حداکثری بین طبقات، نحوه قرارگیری طبقات و به تبع آن واحدها، مجاورت نزدیک یا دور طبقات نسبت به یکدیگر، وجود عرصه‌های مشترک در طبقات و موارد دیگر ارتباط بسیار زیادی با تعامل و شبکه‌های ارتباطی ساکنین آن‌ها دارد.

جدول شماره 6: توزیع پاسخگویان بر حسب رابطه طراحی واحدهای همسایگی مجتمع با سرمایه اجتماعی

مجموع	نحوه طراحی واحدهای همسایگی			سرمایه اجتماعی ساکنان مجتمع
	طراحی قوی	طراحی متوسط	طراحی ضعیف	
83	a, b0	b0	83	سرمایه اجتماعی پایین
259	a0	79	180	سرمایه اجتماعی متوسط
44	2	35	7	سرمایه اجتماعی بالا
386	2	114	270	مجموع پاسخگویان

$$\chi^2 = 106.497 \quad \chi^2 (4, 95\%) = 9.49$$

جدول فوق به سنجش «رابطه بین سرمایه اجتماعی و نحوه طراحی واحدهای همسایگی» می‌پردازد. آماره کای اسکور جدول با سطح معناداری (Sig=0/000) و درجه آزادی (Df = 4) برابر است

با (106، 497). بنابراین فرضیه فوق تایید می‌گردد همچنین با توجه به نوع متغیرهای جدول که هر دو ترتیبی است مقدار شاخص گاما واسپیرمن به ترتیب برابر است با (0/935) و (0/485) بنابراین واضح است که نحوه طراحی همسایگی‌ها از قبیل قرارگیری در طبقات متفاوت، دشواری دسترسی، حضور موانع احتمالی بین واحدهای همسایگی و نظایر آن تاثیر زیادی بر نزدیکی ساکنین و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی (هنجارها و تعاملات چهره به چهره و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجتمع) دارد.

جدول شماره 7: توزیع پاسخگویان برحسب رابطه سرمایه اجتماعی در مجتمع با موقعیت استقرار مجتمع

جمع	سرمایه اجتماعی فردی		منزلت اقتصادی - اجتماعی
	سرمایه بالا	سرمایه پایین	
188	2	186	موقعیت پایین شهر
158	2	156	موقعیت بالای شهر
346	4	342	جمع

$$\chi^2 = 0/31 \quad \chi^2 (1, 95\%) = 9/49$$

همان‌طور که از داده‌های جدول توافقی فوق مشخص است مقدار کای اسکور جدول با درجه آزادی $DF=1$ و در سطح معناداری ($Sig=0/861$) کمتر از مقدار مورد انتظار است به تعبیر دیگر فرضیه وجود رابطه بین موقعیت استقرار مجتمع با سرمایه اجتماعی ساکنین مجتمع آپارتمانی رد می‌گردد.

جدول شماره 8: ضرایب همبستگی اسپیرمن متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	کیفیت طراحی واحد همسایه	فضاهای عمومی	احساس امنیت در مجتمع	کیفیت طراحی طبقات	کیفیت معماری مجتمع	تعدد و تراکم واحدها	وضعیت استقرار مجتمع	موقعیت استقرار مجتمع	اندازه اعیانی واحدهای مجتمع
سرمایه اجتماعی	0/495	0/102	0/315	0/453	0/404	0/439	0/016	0/378	0/769
معناداری	0/000	0/045	0/000	0/000	0/000	0/000	0/773	0/000	0/000
پاسخگو	386	386	380	386	386	386	344	386	386

با توجه به ضرایب جدول، بیشترین ضریب همبستگی (0/769) بین دومتغیر «سرمایه اجتماعی و میزان فضای اعیانی» می‌باشد که در سطح معناداری می‌باشد. ضریب همبستگی مهم دیگر (0/495) به همبستگی دو متغیر «سرمایه اجتماعی مجتمع و نحوه طراحی واحدهای همسایگی» تعلق دارد که همبستگی قابل توجهی می‌باشد همبستگی (0/453) به رابطه «سرمایه اجتماعی مجتمع با کیفیت طراحی طبقات مجتمع» مربوط می‌باشد، ضریب همبستگی دو متغیر «سرمایه اجتماعی و تعداد طبقات مجتمع»، (0/439) می‌باشد. همبستگی بین دومتغیر «سرمایه اجتماعی و کیفیت طراحی و ساخت مجتمع» (ارتفاع آن، اندازه و نوع فضاهای عمومی، فرم و فضاسازی بیرونی و داخلی آن و...) در سطح معناداری (0/404) می‌باشد که همه در سطح (Sig = 0/000) معنادار می‌باشند.

جدول شماره 10: ضریب تعیین رگرسیونی

مدل	ضریب رگرسیونی	ضریب رگرسیونی	سازگار شده R	خطای انحراف استاندارد برآورد
1	0/732	0/537	0/514	0/38932

با توجه به معناداری ضریب همبستگی رگرسیونی به مقدار (0/732) و ضریب تعیین به میزان (0/0537) نتیجه می‌گیریم که نزدیک (0/54) درصد از واریانس (تغییرات) متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی ساکنین مجتمع‌های آپارتمانی) متأثر از متغیرهای مستقل درونی است و باقیمانده متأثر از متغیرهای بیرونی است مقدار ضریب رگرسیونی فوق گواه محکمی است مبنی بر تاثیر معماری فضای مجتمع‌های آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین (مواردی چون تعاملات اجتماعی، شبکه‌ها و پیوندهای ساکنین و به تبع آن شکل‌گیری هنجارهای گروهی) از این رو باید طراحان و معماران قبل از طراحی مجتمع‌ها و تهیه طرح یا پلان کار به طراحی این موارد توجه نمایند و مراکز نظارتی ذیربط هم رعایت اصول معماری فوق را به مجموعه مقررات و هنجارهای طراحی خاصه مجتمع‌ها تبدیل کنند.

جدول شماره 11: جدول برازش مدل

شاخص	کای اسکور	درجه آزادی	معناداری
پیرسون	60.798	133	1.000
انحراف	65.144	133	1.000

داده‌های جدول برازش مدل¹ و نیز سطح معناداری (Sig=1/00) جدول نیکویی برازش² بیانگر کامل بودن برازش نمونه‌ای است می‌توان ادعا کرد که داده‌های نمونه‌ای دقیقاً ویژگی‌های جامعه مربوطه را برازش می‌کند و مجموعاً موید نقش متغیرهای درون مدلی در ایجاد تغییرات متغیر وابسته است.

جدول شماره 12: ضرایب بنای متغیرهای مستقل

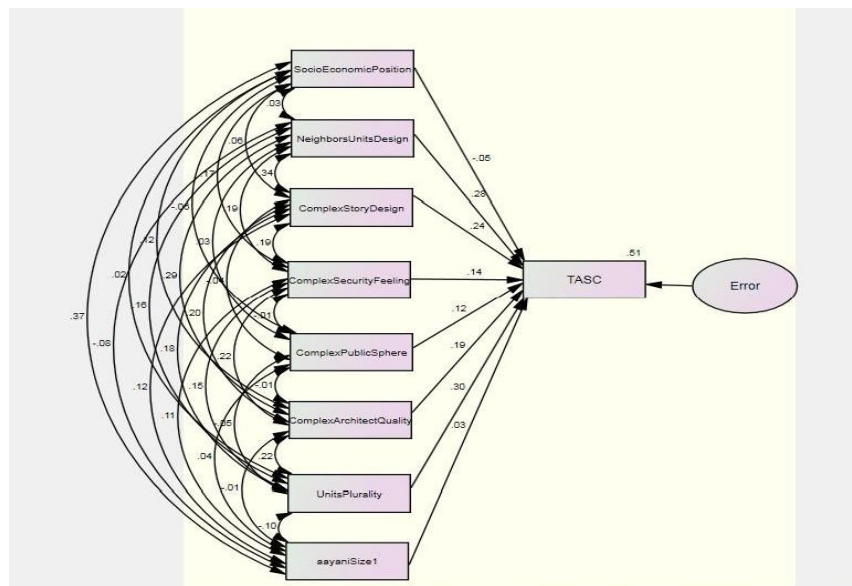
نام متغیر مستقل	ضرایب بتا
چگونگی طراحی واحدهای همسایگی	0/286
کیفیت طراحی طبقات مجتمع آپارتمانی	0/228
تعداد طبقات و واحدهای مجتمع آپارتمانی (تراکم)	0/278
کیفیت معماری و ساخت مجتمع آپارتمانی	0/199
فرم طراحی و حجم فضاهای عمومی مجتمع	0/124
احساس امنیت در مجتمع آپارتمانی	0/130
موقعیت استقرار مجتمع از حیث اقتصادی - اجتماعی	-0/025

معادله رگرسیونی تاثیر معماری مجتمع‌های آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین بدین شکل می‌باشد:

$$\text{خطا} + (\text{احساس امنیت در مجتمع آپارتمانی}) 0/130 + (\text{فضاهای عمومی و مشترک مجتمع}) 0/124 + (\text{کیفیت معماری و ساخت مجتمع آپارتمانی}) 0/199 + (\text{تعداد طبقات و واحدهای مجتمع}) 0/278 + (\text{کیفیت طراحی طبقات مجتمع‌ها}) 0/228 + (\text{کیفیت طراحی واحدهای همسایگی}) 0/286 = \text{سرمایه اجتماعی (Y)}$$

معادله رگرسیونی تاثیر معماری مجتمع‌های آپارتمانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین بدین شکل می‌باشد:

$$e + 0/025 - 0/130 + 0/124 + 0/199 + 0/278 + 0/228 + 0/286 = \text{سرمایه اجتماعی در مجتمع‌های شهری (Y)}$$



نمودار شماره 1: تحلیل مسیر مربوط به متغیرهای مستقل با استفاده از نرم افزار AMOS :

همانطور که نمودار تحلیل مسیر نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مدل (متغیرهای درونی) 0/51 درصد از تغییرات متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی ساکنین مجتمع‌های آپارتمانی) را تشکیل می‌دهند

بحث و نتیجه‌گیری

فوکویاما در مورد جامعه و مردم آمریکا توضیح می‌دهد که ارزش‌هایی که زمانی موجب همبستگی اجتماعی آمریکا و سرمایه اجتماعی آن‌ها می‌شد امروزه در معرض فرسایش است باید این هشدار «فروپاشی بزرگ» فوکویاما را به عنوان زنگ خطری (مهرنامه، 68:1389) برای جامعه ایران دانست چراکه براساس تحقیقات پیمایشی متعدد انجام گرفته بیش از 90 درصد مردم و اقوام ایرانی به «دیگری»¹ اعتماد ندارند این دیگری نه افراد جوامع دیگر که اقوام و قومیت‌های ساکن در این کشور است به تعبیر دیگر «سرمایه اجتماعی درون گروهی»² در ایران به شدت بالا و سرمایه اجتماعی «بین گروهی»³ به شدت پایین است به این معنا که سنتا اعتماد اجتماعی ایرانیان فقط محدود و محصور به خانواده و شبکه فامیلی بوده و دامنه آن به

1. The Other
2. Intragroup
3. Intergroup

خارج از حلقه و شبکه آشنایان نمی‌رسید (غیر خودی‌ها)، این بدان معناست که محله و خیابان و امروزه مجتمع‌های آپارتمانی بدور از سپهر اعتماد اجتماعی هستند و پر بیراه نیست اگر بگوییم در این کشور اعتماد اجتماعی کلایی است که بیشتر در بازار عرصه خصوصی خریدار دارد و در عرصه عمومی بازاری بس کم رونق و کم بازده. این امر نشانه بیماری اجتماعی دانست این آشفتگی و بحران در عرصه عمومی (فضاهای مسکونی شهری، کوچه بازار و محله) برای سامان اجتماعی و همگرایی نیروهای اجتماعی، اساسا کنش توسعه‌ای، بسیار نگران کننده است چرا که در صورت فقدان چنین سرمایه‌ای، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و همگرایی نیروهای اجتماعی که موتور محرکه هر نوع توسعه اجتماعی - سیاسی هستند تحقق نمی‌پذیرد.

از این رو ضروری است در مجتمع‌ها فضاهایی طراحی شود تا بستر مناسبی برای ارتباط‌گیری و روابط متقابل انسان‌ها و محیط اطراف، فراهم آید با استفاده از دانش روانشناسی و جامعه‌شناسی، می‌توان پیش از طراحی و ساخت این قبیل واحدها تدابیری را اندیشید تا عنصر سرمایه اجتماعی در معماری این اماکن مسکونی مورد توجه قرار گیرند امروزه جایگاه هندسه در معماری و هنر جایگاه شناخته شده‌ای است و به نظر می‌رسد معماری مجتمع‌های مسکونی نباید از اقبال به هندسه و به کارگیری اصول آن غفلت کند به عنوان نمونه اگر «قانون نسبت طلایی» فیبوناچی¹ که به نوعی در معماری هم شناخته شده است را به خاطر بیاوریم بد نیست قبل از طراحی فضاهای عمومی، فرم و هندسه مجتمع «طراحان و معماران به آن توجه نمایند چرا که بسیاری از طراحان و معماران بزرگ برای طراحی محصولات خود از این نسبت طلایی استفاده می‌کنند. در معماری سنتی ایرانی هم به عدد چهار به عنوان عدد مقدس نگریسته شده و اشکال چهار ضلعی از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است گویا ذهن انسان هم با این نسبت (قانون فیبوناچی) و هم عدد چهار انس دارد و راحت تر آن را می‌پذیرد و به جهت فصل مشترک انسان‌ها در انتخاب عمومی و مشترک ساکنین می‌تواند بستر مناسبی برای هم آیی ساکنان و در نتیجه پیوند و تعامل اجتماعی آنها ایفا کند. این نسبت (نسبت وتر به ضلع هم کف هرم معادل با نسبت طلایی یعنی دقیقا 1.61804 می‌باشد) از قدیم و از اهرام ثلاثه مصر تا به امروز توسط معماران و مهندسان طراحی مورد استفاده گرفته و می‌گیرد از این جهت به نظر می‌رسد هندسه مثلثی و مستطیلی فضاهای مجتمع‌های مسکونی چنانچه از این نسبت طلایی تبعیت کند می‌تواند در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی با منطق زیربنایی بالا موثر واقع شود.

از طرف دیگر با استفاده از تئوری‌های کنترل می‌توان مشاهده کرد که محیط نقش اساسی را در شکل‌گیری احساس ارزش‌ها و توانمند ساختن افراد و گروه‌های مختلف ایفاء می‌کند. فرضیه

1. Leonardo Fibonacci (ریاضیدان ایتالیایی قرن سیزده میلادی و کاشف قانون نسبت طلایی)

فضای قابل دفاع پیش‌بینی می‌کند که تغییرات مشخص در طراحی فضاهای مسکونی که باعث کاهش فضاهای شهری عمومی و افزایش طبیعی نظارت، بازبینی و حس مالکیت توسط ساکنین می‌شود، باعث کاهش جرم خواهد شد.

در کشور ما انطباق معماری سنتی با تکنولوژی مدرن و امروزی شدیداً مورد بی‌توجهی قرار گرفته و بسیاری از نظریه‌های مربوط به هنر معماری ایران از میان رفته است. انعکاس آینه وار آثار دیگران در ایران بدون مطالعه کافی در خصوص پیشینه فرهنگی و فلسفی و نیز بی‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی - تاریخی معماری مدرن مسیری است که بی‌هویتی هنر معماری ما را سبب خواهد شد و به تبع آن آثار زیانباری بدنبال خواهد داشت که در این مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره شد.

تجدد و ورود ناقص آن به کشور که از دوره صفوی شروع و در دوره پهلوی به اوج خود رسید امواج متلاطم آن همه بخش‌های جامعه از جمله عرصه فرهنگ و هنر را بشدت متاثر ساخت. اگر شاخصه مدرنیته یا تجدد را تولد مفاهیم نویی چون عقلانیت، گفتمان علم‌گرایی و تولد فردگرایی و بالاخره شهرنشینی بدانیم باید بپذیریم که نفوذ اولین موج‌های تجدد به ایران همه عرصه‌ها از جمله معماری سنتی را دستخوش استحاله اساسی کرد گویا پارادایم‌های سنتی و بومی معماری ایرانی - اسلامی دیگر پاسخگوی مهاجرین شهری و تقاضای روزافزون آن‌ها برای مسکن شهری نبود طرفه اینکه همان‌طور که در آثار کلاسیک‌های جامعه‌شناسی به ویژه دورکیم و تونیس اشاره شده است، در فضای بی‌رحم شهری به جای توانمند سازی مردم، شاهد فرایند انسانیت‌زدایی¹ شدیم (این امر در سایه کم‌توجهی به مسائل انسانی در برنامه‌ریزی‌های شهریور به ویژه در محیط‌های اسکان عمومی بود)، توجیه چرایی امر بر اساس دکترین استاندارد سازی، رفاه حداکثری، آزادی فردی و عقلانیت که بشدت در مدل‌های مختلف اسکان که هم در الگوهای لیبرالیستی و هم مارکسیستی مورد تبلیغ بود، جستجو می‌شد. حال که ناکارآمدی چنین پارادایم‌های معماری آشکار شده و نیز جهت اجتناب از تجربه تلخ مشابه، بازبینی در الگوهای شهرسازی و سیاست‌گذاری امور اسکان شهری، با محوریت و مرکزیت سرمایه اجتماعی (اعتمادسازی و تقویت پیوندها و تعاملات همسایگی ساکنان) قویا توصیه می‌شود.

با توجه به وضعیت موجود اسکان شهری اردبیل مشاهده گردید که مجتمع‌های مزبور فاقد فضاهای عمومی لازم برای تحقق سرمایه اجتماعی هستند طبیعی است اوضاع در سایر استان‌ها و شهرها تقریباً به همین شکل است از این رو چنانچه سیاست‌گذاری بخش مسکن با درایت و تدبیر دقیق مدیریت نشود می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی در برداشته باشد به همین دلیل

ضرورت دارد تا آیین‌نامه، سیاست‌گذاری‌ها، مدیریت بخش مسکن شهری به دقت مورد توجه مسئولان شهری و نیز اندیشمندان حوزه‌های مختلف قرار گیرد. با توجه به تشدید فزاینده سبک زندگی فردگرایانه (که زندگی آپارتمانی از نمودهای برجسته آن است) و به تبع آن افول سرمایه اجتماعی تهدید سلامت عمومی و نظم اجتماعی امری کاملاً مبرهن است از این رو برای کاستن از حجم کنش‌های آسیب‌زا مدیریت فضاهای فردگرایانه از جمله مجتمع‌های آپارتمانی می‌تواند در پیشگیری، مدیریت و کنترل بحران‌های اجتماعی موثر واقع شود این امر توجه و مساعدت همه ارگان‌ها را می‌طلبد ارگان‌هایی چون شهرداری‌ها، سازمان‌های متولی امور مسکن شهری خاصه وزارت راه و شهرسازی، استانداری‌ها، تعاونی مسکن ادارات و سازمان‌ها، نظام مهندسی درگیر مسکن شهری تا همواره امور مسکن شهری را مورد توجه قرار داده و در این خصوص پاسخ‌گو باشند این مراکز می‌توانند با استانداردسازی الگوها و سرفصل‌های درسی مهندسی عمران، شهرسازی، طراحی و معماری در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی کشور به تعریف استانداردهای به روز در ساخت و سازهای شهری همت گمارند و با جدیت امر ساخت و ساز را رصد کرده و با بی‌مبالاتی و اهمال عمدی و غیرعمدی برخورد جدی نمایند.

پیشنهادهای کاربردی

مجتمع‌های آپارتمانی به عنوان نوع خاصی از اسکان شهری معادل مفهوم «واحد همسایگی» است که توسط «کلارنس پری»¹ (1872-1944) مطرح شد. او ابتدا در سال 1926 میلادی طرح مقدماتی «واحدهای خودیار» یا «واحد همسایگی» را منتشر کرد و سپس در سال 1929 گزارش جامع این طرح توسط پری در کمیته طرح منطقه‌ای نیویورک و حومه منتشر شد. واحد همسایگی به منزله خانه‌های مسکونی با محیط پیرامونی آن است که در کنار هم یک کل بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند و دارای یک هویت جمعی و محله‌ای هستند. این هویت جمعی در واحد همسایگی باعث ایجاد رشد و پویایی جمعی، افزایش ارتباطات اجتماعی و احساس همبستگی اجتماعی می‌شود.

با توجه به روند رو به رشد شهرنشینی، کم‌رنجی هنجارهای عمومی و ضعف در روابط افراد می‌تواند آسیب‌های اجتماعی متعددی به دنبال داشته باشد بدون تردید این امر یکی از پیامدهای پنهان و نامناسب شهرنشینی است و البته قابل پیشگیری، افول سرمایه اجتماعی (فقدان یا ضعف نظارت هنجاری، ضعف در روابط اجتماعی و افول شبکه‌ها و پیوندهای افراد و در نتیجه افول مشارکت اجتماعی در عرصه‌های مختلف) با معماری و طراحی فضاهای مسکونی ارتباط تنگاتنگی دارد از این رو مدیریت بخش مسکن و ساخت و ساز مجتمع‌های شهری باید مورد نظارت و پیگیری جدی قرار

1. Clarence Arthur Perry

گیرد استفاده از نیروهای انسانی متخصص می‌تواند در این زمینه موثر واقع شود قطع یقین این به‌کارگیری شامل تیمی از نیروهای انسانی رشته‌های مختلف علوم انسانی (جامعه‌شناسان، روانشناسان، جغرافیای شهری و انسان‌شناسان) متخصصین طراحی و معماری در سطح ملی و استانی خواهد بود. همفکری و تشریک مساعی تیم مزبور می‌تواند زوایای پنهان طراحی مناسب را آشکار ساخته و در ارائه مدل متناسب با شرایط فرهنگی و ملی موثر واقع شود.

بروز مسائل متعدد زندگی آپارتمانی در شهرهای مختلف کشور فقط به ضعف یا فقدان فرهنگ آپارتمان نشینی بر نمی‌گردد بلکه به ناکارآمدی پارادایم‌های سنتی معماری هم بر می‌گردد به عبارت دقیق‌تر استفاده از الگوی سنتی معماری با محوریت اندرونی دو وصله ناجوری‌اند که می‌تواند پیامدهای ناگواری به دنبال داشته باشد آپارتمان نشینی به عنوان سبک وارداتی اسکان عمومی با معماری ایرانی درون‌گرا همخوانی ندارد چرا که در معماری ایرانی اسلامی بر انحصار و انفکاک روابط با بیرونی‌ها تاکید جدی می‌شود در حالی که اساس معماری مدرن بر تعامل عمومی، اختلاط اجتماعی و حاکمیت هنجارهای عمومی است این به معنای امتناع معماری از اختلاط و امتزاج اجتماعی (سرمایه اجتماعی) نیست بلکه هشدار است بر این امر که عملاً در این عرصه چه می‌گذرد و یا بی تفاوتی به اصلاح الگوهای معماری چه آثار زیانبار اجتماعی - انسانی می‌تواند بر شهر و جامعه به بار آورد مطمئناً معماری ایرانی اسلامی توان و استعداد اصلاح و مرمت دارد و این نیازمند همفکری متخصصین علوم انسانی و مهندسیین معمار و طراح است متأسفانه الگوی موجود در حوزه اسکان شهری الگویی کاملاً کپی شده و تقلیدی منسوخ از استانداردهای معماری اروپا و آمریکا است و طبعاً جوابگوی شرایط جامعه نیست بنابراین باید با کارآمدترین و جدیدترین یافته‌ها فربه شده و تلاش شود تا با ارائه یک مدل بومی و البته اصلاح شده این نقیصه را مرتفع نمود. باید دانشکده‌های هنرهای زیبا و معماری و دیپارتمان‌های مختلف علوم انسانی و البته دولت و دستگاه‌های نظارتی (شهرداری‌ها، نظام مهندسی) در این زمینه و تدوین ضوابط و مقررات و بالاخره استانداردهای ساختمان وارد عرصه شوند.

منابع

- اکبری، امین (1383) «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- آلمن، ایروین (1382) محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازبان، ناشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- برت، پارتریک (1389) نظریه‌های جامعه‌شناسی در قرن بیستم، ترجمه محمد خانی، انتشارات رخ داد نو.
- پاتنام، رابرت (1380) دموکراسی و سنت‌های مدنی، محمد تقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- تاجبخش، کیان (1384) سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: انتشارات شیرازه، چاپ اول.
- تانکیس، فرن (1388) فضا شهر و نظریه اجتماعی مناسبات اجتماعی و شکل شهرها، ترجمه آرزو افلاطونی و حمیدرضا پارسا، انتشارات دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود (1375) جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشرنی.
- خنده رو، مهدی (1387) «بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله (مطالعه موردی محله‌های منطقه 9 شهرستان مشهد)»، پایان نامه فوق لیسانس جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- دیکنز، پیتر (1377) جامعه‌شناسی شهری، ترجمه حسن بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی شرکت به نشر.
- رضازاده، راضیه و دیگران (1388) «بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره 38.
- زیاری، کرامت الله (1383) برنامه‌ریزی شهرهای جدید، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها تهران: سمت.
- شکوئی، حسین (1369) جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران.
- فوکویاما، فرانسیس (1385) پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین، چاپ دوم.
- فیلد، جان (1388) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلام رضا غفاری و حسن رضانی، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
- کلمن، جیمز (1377) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول.
- گروه مولفان (1383) بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- مبارکی، محمد (1383) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- منتظرالقائم، اصغر (1387) مجموعه مقالات همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- نیومن، اسکار (1387) خلق فضاهای قابل دفاع، ترجمه فئزه رواقی و کاوه صابر، تهران: انتشارات طحان.
- یار احمدی، امیر (1387) به سوی شهرسازی انسانگرا، شکست پردازش و برنامه ریزی شهری، شهرداری تهران.
- هدمن، ریچارد و یازوسکی، آندرو (1384) مبانی طراحی شهری، ترجمه رضیه رضازاده و دیگران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ چهارم.
- Alesina, A. , and E. LaFerrara (2000): "Participation in Heterogeneous Communities Quarterly Journal of Economics 115(3): 847-904
- Ann forsyth et al. (2001) Design for health , university of minnesota
- Curl ,Stevens James(2000) "apartment. " A Dictionary of Architecture and Landscape ,architecture. Retrieved May 22, 2010 from Encyclopedia. com
- DiPasquale, D., and E. Glaeser (1999): "Incentives and Social Capital: Are Homeowners Better Citizens?" Journal of Urban Economics 45(2): 354-384
- Foth, marcus(2004) : "Designing networks for sustainable neighborhoods" ;
- A case study of a student apartment complex ; Brisbane QLD, Australia
- Foth, Marcus and Hearn, Greg (2007): "Networked Individualism of Urban Residents",Discovering the Communicative Ecology in Inner-City Apartment Complexes. Information, Communication & Society) Accessed from <http://eprints.qut.edu.au> Copyright 2007 Taylor & Francis
- Glaeser, E. , D. Laibson, J. Scheinkman, and C. Soutter (2000): "Measuring Trust", Quarterly Journal of Economics 115(3): 811-846
- Krejcie, Robert V. , Morgan, Daryle W. , (1970) : "Determining Sample Size for Research Activities", Educational and Psychological Measurement.
- Putnam, R. (2000) , "Bowling Alone": The Collapse and Revival of American Community (New York: Simon and Schuster)
- Edward L. Glaeser & Bruce Sacerdote (2000), "The Social Consequences of Housing", (Harvard Institute of Economic Research).
- Resource: Rafael Gomez, "London School of Economics and Eric Santor" , (2001): *Canadian Journal of Economics*
- source: Hanifan, L. J. (1916) "The rural school community center", *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 67: 130-138. Also see Hanifan, L. J. (1920)*The Community Center*, Boston: Silver Burdett .
- Javier Mignone ,(2009) ,Social capital and aboriginal communities: a critical assessment, journal de la santé autochtone ,novembre